

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.261467.1382>

انواع و روشهای جبران خسارت معنوی ناشی از بازداشت فرد بی‌گناه با رویکرد جامعه‌شناختی

غلامعلی دهشیری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

سید مهدی منصوری* (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸

احمد حاجی ده آبادی^۳

چکیده

در این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که چه نوع جبران خسارت‌هایی در حقوق ایران برای افراد بازداشت شده بی‌گناه قابل پیش‌بینی است و این گونه‌های جبرانی با چه روش‌هایی اعمال می‌شود. در واقع مهمتر از خسارات مادی، آنچه در بازداشت افراد ممکن است ایجاد شود خسارات معنوی است. خسارت معنوی خسارات وارد بر روح، جسم، اعتبار، احساسات و عواطف یا هرگونه خسارت وارد بر شخص و شخصیت او را شامل می‌شود. ارزیابی خسارت در جبران خسارت معنوی با مشکلات بسیاری مواجه است. زیرا عوامل مختلفی در این رابطه درگیر می‌شوند که نمی‌توان با قطعیت و با استناد به اصول ارزیابی خسارت، به ارزیابی این گونه خسارتها پرداخت. تفاوت‌های روحی و شخصیتی افراد، جایگاه اجتماعی آنان و مشکل تعیین واقعی میزان خسارات روحی و معنوی از جمله این موضوعات هستند. بنابراین به آسانی نمی‌توان بین این دو حد از شدت و ضعف، ملاک و قاعده‌ای عمومی و ثابت که قابل انطباق بر همه افراد باشد به دست داد و اصولاً قاعده مسلمی در این رابطه وجود ندارد اما آنچه که در این نوشتار به عنوان مهمترین مولفه‌های مد نظر در ارزیابی خسارت اشاره شد تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و جایگاه اجتماعی بازداشت‌شونده و تأثیر عناصر معنوی و انگیزه بازداشت‌کننده بود و در خصوص روش‌های جبران خسارت معنوی ناشی از بازداشت افراد بی‌گناه نیز سه روش قانونی، توافقی و قضایی مطرح و مورد بحث قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: جبران خسارت، بازداشت موقت، خسارت معنوی، بی‌گناه

^۱ دانشجوی دکترا حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، ایران.

^۲ استاد یار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، ایران.

^۳ دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پردیس فارابی، واحد قم، ایران

حق آزادی و امنیت شخصی یکی از مهمترین حقوق بشر است که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تاکید قرار گرفته است. چنین حقی متضمن برخورداری تمام انسانها از امنیت و آزادی است و بر اساس آن هرگونه تهدید خودسرانه آزادی ممنوع بوده، سلب آزادی یک امر استثنایی است که تنها به وسیله مرجع صالح قضایی و با رعایت موازین قانونی امکان پذیر است.

یکی از مصادیق سلب آزادی از افراد، بازداشت پیش از محاکمه است که به موجب آن، به رغم این که هنوز مجرمیت فرد اثبات نشده است، با صدور قرار تأمین بازداشت موقت، از وی سلب آزادی می شود. با وجود معایبی همچون مغایرت بازداشت موقت با اصل برائت، تأثیر سوء در ذهنیت قاضی حکم دهنده، تبعات روانی و اجتماعی برای متهم و.. قانونگذاران کشورهای مختلف همچنان و به دلیل وجود مزایایی که بر بازداشت متهم مترتب است، به پیش بینی این قرار مبادرت می نمایند و البته با پیش بینی تدابیری همچون اختصاص قرار بازداشت به شرایط خاص یا جرایم معین سعی در محدود کردن دامنه آن دارند. همین رویکرد در مواد ۲۳۷ تا ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اتخاذ شده و قانونگذار جدید با حذف بازداشت موقت اجباری و محدود کردن صدور قرار بازداشت به جرایم معین و نیز شرایط خاص، در راستای انسانی و کارآمد تر شدن قواعد دادرسی کیفری گام برداشته است. با این حال، به موجب قواعد موجود، درخصوص دسته‌ای از متهمین قرار بازداشت موقت صادر خواهد شد و یا عملاً به دلیل از قبیل عجز از معرفی کفیل و یا تودیع وثیقه به بازداشتگاه راه خواهند یافت.

در خصوص بازداشت شدگان و علیرغم وجود و رعایت تمامی شرایط مقرر قانونی در خصوص صدور قراربازداشت، این امکان منتفی نیست که در فرایند دادرسی کیفری، به صدور قرارهای منع یا موقوفی تعقیب در دادسرا و یا حکم برائت در دادگاه منتهی شده و بی‌گناهی متهم بازداشت شده را آشکار سازد. مسلماً مهمترین مسئله‌ای که در اینجا با آن مواجه می‌شویم تکلیف روزهایی است که متهم بی‌گناه در بازداشتگاه سپری کرده است، آسیب های متعدد جسمی و روحی و شخصیتی و... که در اثر ورود فرد به بازداشتگاه به او وارد می‌شود به هر ترتیب و تا حد امکان بایست جبران شود.

در متون فقهی و حقوقی پیرامون حمایت از جسم و جان انسان و اموال و مالکیت اشخاص، قوانین و مقرراتی مبتنی قواعدی در باب قصاص، حدود، دیات، غضب، بیع و اجاره وضع شده است. با این حال اشتباه و خطا در تصمیمات قضایی چه در قرارهای اعدادی و نهایی بسته به نوع پرونده و پیچیدگی آن، می‌تواند آثار و تبعات متفاوتی داشته باشد. آنچه مسلم است در پرونده‌های کیفری تبعات و خطرات احتمالی این اشتباهات زیانبارتر است، زیرا در اثر رفتار اشتباه کنشگران دستگاه عدالت ممکن است شخص با سلب آزادی متحمل ضرر و زبانی گردد که گاهی غیرقابل جبران و یا جبران آن به‌سختی ممکن است.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود آیا فردی که بی گناه بازداشت شده است، باید رنج و زیان مادی یا معنوی و هتک حیثیت ناشی از بازداشت را (که در نهایت مشخص گردید بی مورد به وی تحمیل شده است) بدون جبران تحمل کند و جامعه با این استدلال که در رهگذر حفظ نظم عمومی و مصالح جامعه این امر رخ داده در قبال آن بی تفاوت بماند؟ و یا آنکه جامعه هرچند برای دفاع از منافع و مصالح خود قیام و اقدام کرده است اما وقتی متهم تبرئه گردید یا محکومیت حبس وی نادرست تشخیص داده شد باید مصالح و منافع چنین انسانی به عنوان عضوی از اعضای خود که بر وی ستم رفته است را ملحوظ نظر قرار دهد و به نوعی درصد جبران آن برآید؟

بر کسی پوشیده نیست که بازداشت و حبس افراد نه تنها موجب ضرر و زیان مالی و اقتصادی فرد دربند و خانواده وی می‌شود بلکه موجب تألمات روحی، روانی و صدمات و لطمات معنوی، شهری و حیثیتی زیاد نسبت به وی و خانواده‌اش هم می‌گردد. بدیهی است وقتی این بازداشت و حبس نسبت به افراد بی‌گناه باشد تألمات و جراحات روانی و عاطفی آن به مراتب بیشتر خواهد بود. از همین جاست که صحبت از جبران خسارت چنین افرادی در حقوق کیفری مطرح می‌شود. مسئله‌ای که اخیراً در بازبینی قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۲۵۵ بر آن تصریح و تأکید شده است.

در مقاله حاضر تلاش خواهد شد تا ضمن بیان مفاهیم و مبانی جبران خسارت معنوی از بازداشت شده بی گناه در قانون آئین دادرسی کیفری ایران، بحث ارزیابی و تقویم خسارت معنوی و روشهای جبران آن را مورد بررسی و پژوهش علمی قرار داده و از این رهگذر ابهامات قانونی را تحلیل نموده و راهکارهای متصوره برای رفع موانع و مشکلات موجود را ارائه نماید.

۱- مفهوم شناسی

مفاهیم اصلی این تحقیق شامل «خسارت»، «جبران»، «بازداشت» و «بی‌گناه» مفصلاً و از ابعاد مختلف مفهومی و نوع شناسی مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

۱-۱- خسارت

کلمه خسارت از لغات زبان عربی است که در زبان فارسی نیز استعمال می‌گردد و در فرهنگ‌های لغت مختلف برای این کلمه معانی مشابه و احیاناً مختلفی ذکر گردیده؛ چنانکه کلمه «خسارت» در المعجم الوسیط، به معنی زیان کردن در تجارت، معنی نموده اند و نیز کلمه ضرر را به معنای ضد نفع، شدت ضیق، سوء حال و نقص شیء دانسته است. (معلوف، ۱۹۷۳: ۴۴۷)

مفردات راغب اصفهانی ضرر را به «سوء حال» تفسیر می‌کند، اعم از اینکه سوء حال نفس به خاطر قلت علم و فضل یا سوء حال بدن به خاطر فقدان عضوی از اعضا و یا به خاطر قلت مال و آبرو باشد. (راغب اصفهانی، بی تا: ۲۴۴).

در فارسی نیز «خسارت» در لغت: به کسر خاء و از ریشه «خسر» به معنای زیان، ضرر و کم آوردن است. (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸: ۸۹۶) در فرهنگ معین خسارت را ضرر کردن، زیان بردن، زیانکاری، زیانمندی، زیان و ضرر معنی کرده اند (معین، ۱۳۸۸: ۶۱۳).

در حقوق انگلستان از واژه **Damage** (در صیغه مفرد) برای تعریف خسارت استفاده شده است و در توصیف آن همانند حقوق ایران از الفاظ و کلمات مشابه و معادل آن از قبیل ضرر، زیان، لطمه و صدمه بدنی و هرگونه آسیب بهره‌گیری شده است. (Lawson, ۱۹۸۰: ۶۹)

بند ۱ ماده ۱ آیین نامه جبران خسارت ناشی از بازداشت مصوب ۱۳۹۵ در تعریف «خسارت» اشعار می‌دارد: «ضرر و زیان‌های ناشی از بازداشت اعم از مادی، معنوی و منافع ممکن الحصول موضوع ماده ۱۴ قانون».

در بیان جمع بندی و ارائه نظر نگارنده می‌توان گفت که خسارت عبارت است از هرگونه نقصان و کاستی در مال یا متعلقات غیرمالی و غیر مادی یا تمامیت جسمانی و روانی یا اعتبار و حیثیت شخصی یا جلوگیری از افزایش و تکامل آن؛ در ادامه به بررسی اقسام و معیار تقسیم بندی خسارت خواهیم پرداخت.

مفاهیم مختلف در علوم انسانی بر اساس معیارهای مختلفی می‌تواند تقسیم بندی و تفکیک شوند. در خصوص انواع و اقسام خسارت نیز همین موضوع صادق است. در بین طبقه بندی های مختلف و متفاوت خسارت دو نگرش غالب مشاهده می‌شود. نخست تقسیم بندی خسارات به مادی، معنوی و بدنی است. که در آثار و نوشته‌های حقوقدانان برجسته داخلی مشاهده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۴۳-۲۴۸). شیوه دیگری از تقسیم بندی نیز تقسیم بندی قانونی است که در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ بدان اشاره شده است.

مقصود از ضرر مادی، زبانی است که در نتیجه از بین رفتن اعیان اموال (مانند سوختن خانه) یا کاهش ارزش اموال (مانند احداث کارخانه‌ای که از بهای املاک مجاور بکاهد) و مالکیت معنوی (مانند صدمه رساندن به شهرت و نام تجاری) یا از بین رفتن منفعت و حق مشروع اشخاص، به آنان می‌رسد. به طور خلاصه می‌توان گفت: کاستن از دارایی شخص و همچنین پیشگیری از فزونی آن، به هر عنوان که باشد، اضرار به شخص است. میزان ضرر نیز تفاوت میان دارایی کنونی زیان‌دیده و دارایی او، در صورتی که فعل زیانبار رخ نمی‌داد، است. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۴۴-۲۴۷)

۲-۱- جبران و گونه شناسی آن

۲-۱-۱- جبران خسارات مادی

در زمینه جبران خسارت مادی میان حقوقدانان اتفاق نظر وجود دارد و تمامی صاحب نظران به قابل جبران بودن آن تأکید دارند. لیکن ممکن است در مورد خسارت معنوی مخصوصاً قابلیت جبران بودن آن به صورت مالی و با مبلغی پول تردید بوجود آید. اینگونه تردیدها به لحاظ دشواری ارزیابی اینگونه خسارات و تقویم آنها به پول است. در مجموع جبران خسارت وارد به اموال (خسارت مادی) از طریق برگرداندن وضعیت زیان دیده به صورت سابق خود؛ میسر است و برای تکمیل این شیوه می‌توان شیوه دیگر یعنی از

بین بردن منبع خسارت را نیز استفاده نمود (انصاری، ۱۳۸۳ : ۶۳۸). با توجه به اینکه موضوع نوشتار حاضر جبران خسارت معنوی است از این رو در خصوص جبران خسارت مادی به همین مقدار توضیحات بسنده کرده و به شرح جبران خسارت غیرمادی خواهیم پرداخت.

۲-۲-۱- جبران خسارت غیر مادی

گونه دیگری از جبران، جبران خسارت غیرمادی است، که البته نحوه جبران این نوع خسارت همواره محل بحث و چالش اندیشمندان حقوقی بوده است. چرا که اساساً همانگونه که پیش از این نیز گفته شد، در تعریف خسارت غیرمادی اختلاف نظر بسیاری وجود دارد و طبیعتاً وقتی در اصل یک موضوع چالش وجود دارد؛ در فروعات آن نیز ابهامات و نظرات متفاوتی مطرح می‌شود. با این وجود می‌توان با طرح نظرات و موضوعات و نکات مهم مطرح شده از سوی حقوقدانان، به کلیت نسبتاً روشنی از موضوع جبران خسارت غیرمادی دست یافت.

در مجموع می‌توان جبران خسارت معنوی را به چند روش انجام داد که ذیلاً به بررسی آنها می‌پردازیم. لیکن باید توجه داشت که برخی از این روش‌ها با انواع روش ذکر شده برای جبران خسارت مادی یکی است به این معنی که برخی از روش‌های جبران خسارت را می‌توان در مورد خسارت معنوی نیز به کار برد.

الف- جبران به روش عینی: ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: « کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است. شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسائل مختلف حسن نیت مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از وارد کننده مطالبه نماید». می‌توان گفت این ماده جبران خسارت از طریق اعاده وضعیت به حالت سابق را در نظر داشته است. هر چند همان گونه که گفته شد، این نوع جبران خسارت کامل‌ترین نوع جبران خسارت است اما در خسارت معنوی از این روش کمتر می‌توان استفاده نمود.

ب- پرداخت غرامت: از آنجایی که جبران عینی در مورد خسارت معنوی موضوع این تحقیق کاربرد ندارد. باید به دنبال دیگر ابزار جبران خسارت بود تا بتوان به وسیله آن خسارت معنوی را جبران کرد.

۱. جبران به روش غیر مالی: در برخی از خسارات وارده شخصیت و شرایط زیان دیده و عامل زیان به گونه‌ای است که بهترین نوع جبران خسارت، جبران به وسیله غیر مالی مانند، الزام به عذر خواهی از هتک حرمت شخصی حقیقی یا حقوقی، اعلام حکم محکومیت فاعل زیان، درج حکم در جراید و حق پاسخگویی متقابل و تکریم زیان دیده می‌باشد. به عنوان مثال فردی که با ایراد سخنرانی در جمعی به آبروی دیگری لطمه وارد کرده است بدون شک عذرخواهی از زیان دیده در همان جمع، بهترین و تأثیرگذارترین روش جبران خسارت است.

۲. **جبران به روش مالی:** همانگونه که قبلاً نیز گفته شد، هدف از جبران خسارت خشنود ساختن زیان دیده است و همانگونه که استدلال شد پرداخت مبلغی پول به زیان دیده چه زیان وارده مادی و چه معنوی باشد از ابزار خشنود سازی است. همانگونه که گفته شد تقویم خسارت معنوی به امر مادی (مبلغ پول) کاری مشکل و دقیق است لکن این سختی مانع از آن نیست که این نوع جبران را در مورد زیان های معنوی به کار برد. باید دانست دادن مبلغی پول به زیان دیده گاه تمام یا بخشی از ضررهای معنوی را جبران می کند، چنانکه با آن پول زنی که زیبایی چهره اش را در نتیجه حادثه ای از دست داده می تواند به پزشکی ماهر رجوع کند و وضع را به حالت پیشین درآورد (روزبهانی، ۱۳۹۱: ۸۹).

پ- **جبران به صورت اسمی یا نمادین:** هنگامی که بر اثر نقض قرارداد یا نقض تکلیفی قانونی خسارتی به بار آید، چنانچه زیان دیده بخواهد بفهماند که خسارتی غیر قابل جبران به او رسیده است که پول نمی تواند آن را جبران کند، همچنین بخواهد اثبات کند که لطمه های وارده به حیثیت و اعتبار خویش را نمی خواهد با پول معاوضه کند. از دادگاه تقاضای حکم به جبران خسارت اسمی می کند؛ و نیز چنانچه عمل زیانبار، زیان اندکی را به زیان دیده وارد کرده باشد دادگاه می تواند با محکومیت زیانکار به نحو رمزی و اسمی ورود زیان را تأیید کند.

در حقیقت آنچه برای خواهان موضوعیت دارد صدور حکم به لزوم جبران خسارت معنوی است. (نقیبی، ۱۳۸۶: ۳۹۳) در این روش از جبران خسارت هدف ثابت نمودن ورود خسارت و محکومیت و اعلام خطای خواننده دعوی است به این نحوه خواهان نشان می دهد از طرف خواننده به او زیان وارد آمده و او محق است.

ت- **جبران به وسیله خسارت تنبیهی:** غرض از اعطای خسارت تنبیهی بیش از آنکه جبران خسارت وارد بر زیان دیده باشد، تنبیه زیان زننده و حمایت از زیان دیده است و لذا میزان خسارت ممکن است از زیان های وارده بر فرد نیز تجاوز نماید. این شکل از جبران از قرن ۱۸ میلادی و اولین بار در مورد «اعمال ظالمانه مستخدمان دولت» به اینگونه خسارت حکم داده شد. حکم به خسارت تنبیهی تنها در برخی افعال زیان بار امکان دارد؛ «تجاوز به حسن شهرت»، «مداخله غیر قانونی در تجارت»، «آزار شخصی»، «تعقیب قضایی توأم با سؤنیت» و انواع مختلف تجاوز از مصادیق این افعال زیانبار هستند.

در حال حاضر نیز در برخی سیستم های حقوقی کشورهایی مانند آمریکا و انگلیس و فرانسه علاوه بر سایر خسارات این نوع خسارت در مواردی تعیین می شود که ارتکاب جرم یا خطای مدنی همراه با عمد و سؤنیت باعث زیان دیگری شود. حکم به چنین خسارتی علاوه بر نقش کیفری و مجازات مجرم و عامل زیان باعث عبرت او و دیگران و جلوگیری از ارتکاب چنین رفتاری در آینده می شود (سلطانی نژاد، ۱۳۸۰: ۳۲۳).

۳-۱- مفهوم قرار بازداشت موقت

«بازداشت»، در لغت به معنای: ۱- منع، ممانعت و جلوگیری و ۲- توقیف و حبس آمده است (معین، ۱۳۸۸: ۱۸۹). «توقیف» هم در لغت به معنای «بازداشتن»، «کسی را» بازداشت کردن» و «از حرکت بازداشتن» است (پیشین: ۲۸۰). «توقیف» مصدر باب «تفعیل» از ریشه «وقف» به معنای بازداشت است (انصاری، طاهری، ۱۳۸۸: ۷۵۱)

در ترمینولوژی حقوق، معنای اصطلاحی آن، این گونه ذکر شده است: «سلب آزادی و اختیار نفس در مدت معین یا نامحدود به طوری که در زمان آن، حالت انتظار ترخیص وجود نداشته باشد و اگر حالت انتظار وجود داشته باشد، آن را توقیف گویند نه حبس» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۰۸).

این سلب آزادی از متهم، ممکن است در طول جلسات رسیدگی دادگاه و تا صدور حکم قطعی نیز ادامه یابد. تعارض بازداشت موقت نه فقط با اصل برائت، بلکه با برخی نهادهای سودمند حقوق کیفری و در مجموع با یک سیاست جنایی سنجیده و منسجم، سبب شده است که حقوق دانان آگاه و به ویژه جرم شناسان، پس از جنگ جهانی دوم، توجه خاصی به آن مبذول دارند. قرار بازداشت قبل از محاکمه» در دستور کار کنفرانس‌ها، اعم از داخلی و بین‌المللی و نیز اجلاس‌ها و کنگره‌های سازمان ملل متحد برای پیشگیری از ارتکاب جرم و رفتار با محکومان، حکایت از اهمیت موضوع و ضرورت دستیابی به راه‌های مفید و کارساز در این زمینه دارد. در همین زمینه «قواعد سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی» در بند ۱۷ و با عنوان «نوجوانانی که دستگیر می‌شوند و یا در انتظار محاکمه به سر می‌برند»، به دولت‌های عضو تأکید کرده است که بازداشت پیش از محاکمه نوجوانان، تا آن جا که ممکن است اجتناب ورزند و آن را به «موقعیت‌های استثنایی» محدود سازد. مدت بازداشت نیز باید تا حد امکان کوتاه باشد و نیز از اختلاط اطفال و بزرگسالان اجتناب شود. همچنین رهنمودهای سازمان ملل برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان که به «رهنمودهای ریاض» معروف است در توصیه شماره ۱۳ متذکر شده است که بازداشت قبل از محاکمه باید به عنوان آخرین چاره و برای «کوتاه‌ترین دوره زمانی ممکن» مورد استفاده قرار گیرد. (رستمی، ۱۳۹۱: ۲۲)

۴-۱- مصادیق قانونی بی‌گناه

قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۲۵۵ بی‌گناهان را شامل دو دسته دانسته است. در واقع مطابق قانون بازداشت شدگانی حق جبران خسارت دارند که پرونده آنها منتهی به صدور «حکم برائت» یا «قرار منع تعقیب» شده، و با توجه به ماده ۲۵۷، این حکم یا قرار، قطعی هم شده باشد. بنابراین اولاً از آنجا که در مورد شاهد یا مطلع حکم برائت یا قرار منع تعقیب صادر نمی‌شود، این افراد به دلیل جلب خود در اجرای تبصره ۱ ماده ۲۰۴ نمی‌توانند بر اساس ماده ۲۵۵ مطالبه خسارت کنند. ثانیاً اگر پرونده متهم منتهی به صدور قرار موقوفی تعقیب نیز شده باشد، به دلیل عدم اظهار نظر ماهوی در مورد ارتکاب یا عدم ارتکاب عمل

مجرمانه توسط متهم وی سزاوار جبران خسارت دانسته نشده است. در واقع، هدف قانونگذار صرفاً جبران خسارت «متهم بی گناه» بوده است. (خالقی، ۱۳۹۶: ۲۶۴).

در خصوص قرار منع تعقیب ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته: «بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می کند...»

منظور از «جرم نبودن عمل ارتكابی» اعم از این است که عمل منتسب به متهم در هیچیک از قوانین جرم شناخته نشده باشد، مانند عدم حضور فروشنده در روز مقرر در دفتر اسناد رسمی برای تنظیم سند انتقال مورد معامله، یا اینکه عمل مزبور جرم بوده ولی در پرونده تحت رسیدگی، ارتكاب نیافته باشد. مانند اقدام آدمربایی در فرضی که معلوم شود بزه دیده ادعایی بالغ و عاقل بوده و با آگاهی و آزادی اراده، همراه متهم رفته باشد. علاوه بر این دو فرض، فرض سوم صدور قرار منع تعقیب جایی است که دلیل کافی بر انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد، مانند موردی که پس از طرح شکایت قتل عمدی علیه شخصی معین، تحقیقات نشان دهد که قتل واقع شده اما متهم مرتکب این قتل نگردیده است (خالقی، ۱۳۹۶: ۲۸۶)

۲- ارزیابی و تقویم خسارت معنوی ناشی از بازداشت

در ارزیابی خسارت مادی مشکل چندانی وجود ندارد زیرا خود قاضی تشخیص می دهد که میزان خسارت به چه میزان است و یا این که در صورت پیچیده بودن میزان خسارت، کارشناس این امر را مشخص می کند این در حالی است که ارزیابی خسارت در جبران خسارت معنوی با مشکلات بسیاری مواجه است. زیرا عوامل مختلفی در این رابطه درگیر می شوند که نمی توان با قطعیت و با استناد به اصول ارزیابی خسارت، به ارزیابی این گونه خسارت ها پرداخت به عنوان مثال تألم پذیری در افراد همانند قیافه، سلیقه و شخصیت اخلاقی آنها متفاوت است. برخی از افراد دارای توان روحی بالایی هستند که در روان آنها در برابر حوادث مهم، تأثر اندکی پدید می آید، در مقابل افراد دیگری هستند که از کوچکترین حادثه ای تألم عمیقی در آن ها حادث می شود، بنابراین به آسانی نمی توان بین این دو حد از شدت و ضعف، ملاک و قاعده ای عمومی و ثابت که قابل انطباق بر همه افراد باشد به دست داد و اصولاً قاعده مسلمی در این رابطه وجود ندارد (نقیبی، ۱۳۸۶: ۳۹۴-۳۹۵)

۲-۱- تأثیر ویژگی های شخصیتی و جایگاه اجتماعی بازداشت شونده در ارزیابی و تشخیص میزان

خسارت معنوی

در بحث ارزیابی و تشخیص میزان خسارت معنوی همانطور که گفته شد، مؤلفه های مختلف و متعدد و پیچیده ای دخیل هستند. از جمله این مؤلفه ها می توان به «تأثیر ویژگی های شخصیتی و جایگاه اجتماعی بازداشت شونده» اشاره نمود. ویژگی های شخصیتی هر فرد با فرد دیگر متفاوت است. صرفنظر از تیپ های شخصیتی مختلفی که روانشناسان برای افراد در نظر می گیرند؛ نمی توان به طور دقیق ادعا نمود که ویژگی های شخصیتی یک نفر کاملاً و به صورت صددرصدی و مطلقاً با ویژگی های شخصیتی فرد دیگر

برابر باشد. از همین رو میزان خساراتی که به عنوان مثال مرتبط با ویژگی‌های شخصیتی افراد است در هر فرد متفاوت می‌باشد. اما مشکل اینجاست که نمی‌توان یک مفهوم انتزاعی را مقوم نمود و مثلاً میزان خسارت وارده به شخصیت فرد «الف» را ۵ میلیون ریال و میزان خسارت وارده به شخصیت «ب» را ۶ میلیون ریال تعیین نمود. این موضوع در بحث «جایگاه اجتماعی بازداشت‌شونده» نیز همینگونه است. هرچند جایگاه اجتماعی افراد بسته به سن، موقعیت شغلی، وضعیت فرهنگی و... با یکدیگر متفاوت است اما شاید بتوان ادعا نمود که تشخیص و تعیین جایگاه اجتماعی افراد به اندازه ویژگی‌های شخصیتی سخت و پیچیده نباشد (نیک فرجام، ۱۳۹۲: ۱۹).

در بیان مفهوم «موقعیت اجتماعی»، گفته شده که موقعیت اجتماعی مقام و موضعی است که یک فرد در یک جامعه و در زمانی معین اشغال می‌کند. موقعیت اجتماعی یکی از موضوعات و محورهای مورد توجه در ارزیابی پایگاه اجتماعی است. موقعیت اجتماعی عبارت است از اعطای مقامی در سلسله‌مراتب کیفی کل جامعه به هر فرد به استناد مجموع ارزیابی‌ها از هر یک از پایگاه‌هایی که احراز کرده و پاداش‌هایی که از هر یک از آن‌ها عایدش شده است (کوزر، ۱۳۷۳: ۴۵).

مفهوم موقعیت اجتماعی در محاوره با پایگاه اجتماعی تطابق می‌یابد، اما مبهم‌تر از مفهوم پایگاه اجتماعی است؛ چه در این واژه شرایط زمانی و مکانی و وجود همزمان نظام‌های گوناگون سازمان‌بندی در یک جامعه که موجب می‌شود هرکس بتواند در یک زمان چند پایگاه داشته باشد، مورد تصریح قرار نمی‌گیرد. در وضع اجتماعی بیشتر شرایط عینی مطمح نظر است که شخص در درون آن دیده می‌شود. اما پایگاه، وضع و شرایطی را نیز که شخص خود را در آن می‌بیند می‌رساند. (بیرو، ۱۳۷۵: ۳۷۲) به عبارت دیگر مفهوم موقعیت اجتماعی در مقایسه با پایگاه اجتماعی قدری پیچیده‌تر به نظر می‌رسد.

در مجموع و به زعم وجود ابهامات و پیچیدگی‌های مذکور در ارتباط با شخصیت و موقعیت اجتماعی افراد، در زمان تعیین میزان خسارت معنوی، به صورت نسبی این مؤلفه‌ها می‌توانند تا حد زیادی میزان خسارت را به واقعیت نزدیک‌تر نمایند. از این رو ناگزیر باید برای تعیین خسارت معنوی که خود این نوع خسارت نیز دارای همین پیچیدگی‌ها و ابهامات است، به مفاهیم مزبور مراجعه نمود و این مؤلفه‌ها را در نظر داشت.

۲-۲- تأثیر عناصر معنوی و انگیزه بازداشت‌کننده در ارزیابی و تعیین میزان و جبران خسارت معنوی

انگیزه، مفهومی دو منظوره است که از سویی، به محرک رفتار و از سوی دیگر، به نتیجه و هدف رفتار اشاره دارد. در اینجا باید به تعریفی از انگیزه اشاره کرد. در عرف، انگیزه با عنوان تلاش برای رسیدن به هدف و عامل رفتار تعریف می‌شود. هدف‌گزینی، کار مهمی است اما به معنای انگیزه نیست. بسیاری از انسان‌ها اهداف بسیار بزرگی دارند ولی هیچ تلاشی برای رسیدن به اهداف خود انجام نمی‌دهند. در علم روان‌شناسی، تعاریفی چند در رابطه با انگیزه ارائه شده است از جمله اینکه گفته شده است: «آمادگی یا گرایش درونی بالقوه برای پاسخ دادن به موقعیت یا محرک خاص بیرونی، از بین موقعیت‌ها و محرک‌های

مختلف موجود را می‌توان انگیزه نامید(شاملو، ۱۳۸۳: ۱۰۳) به نظر نگارنده شاید بتوان آن را چنین تعریف کرد: «عاملی درونی که موجب رفتار فرد می‌شود».

در این میان اما توجه به انگیزه، به ویژه انگیزه مقامات بازداشت کننده فرد بی‌گناه، تا حد زیادی می‌تواند در تعیین میزان خسارت معنوی حاصله، مثر ثمر و نتیجه بخش واقع شده و شاخص مناسبی برای ارزیابی میزان خسارت تلقی گردد. علاوه بر انگیزه، سایر عناصر و مؤلفه های معنوی مرتبط با چرایی و چگونگی صدور دستور بازداشت فرد بی‌گناه نیز می‌تواند به تعیین میزان خسارت معنوی کمک کند و البته رعایت انصاف و دیدگاه منصفانه در این بین امری لازم و ضروری است.

به طور کلی در تعیین اینکه چه چیزی منصفانه است دادگاهها از احساسشان الهام می‌گیرند. برخی معتقدند که ضابطه ی امر منصفانه باید به گونه ای باشد که ناشی از تجربه و آرائی بوده که در موارد مشابه صادر شده است. ایشان از این جهت توجه به آرای صادره را لازم می‌دانند که معتقدند نه تنها لازم است صدمات مشابهی که به افراد وارد می‌آید به طور یکسان جبران شود، بلکه با خوانندگان نیز باید به طور مشابه و برابر رفتار شود. در برخی کشورها برای خسارتهای درد و رنج تعرفه ی قضایی مقرر گردیده و خسارتهای معنوی و مربوط به درد و رنج دسته بندی شده است تا قضاات با توجه به اینکه صدمه وارده در کدام دسته قرار می‌گیرد، با توجه به این تعرفه ها و با اشکال کمتری حکم به جبران خسارت دهند(شوشی نسب، ۱۳۹۰: ۱۱۴) با این حال در مجموع بازهم مفهوم انصاف خود یک مفهوم انتزاعی بوده و به ناچار بایست به استنباط قضاات از وضعیت فرد زیان دیده اعتماد نمود.

۳- روشهای تعیین میزان جبران خسارت و موضع حقوق ایران

۳-۱- روش توافقی

در این روش مبلغ قابل پرداخت برای خسارتهای معنوی و خسارت های درد و رنج ممکن است قبل و یا بعد از ایراد زیان تعیین شود. اگر این مبلغ قبل از ورود زیان توسط طرفین تعیین شود باید گفت که این نوع از تعیین خسارت که در مسئولیت قراردادی متعارف است به صورت وجه التزام و شرط کیفری علیه طرفی در ضمن عقد مقرر می‌شود که به طرف مقابل خسارتی وارد می‌کند. چنین شرطی در صورتی که مغایر با قوانین آمره و نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد معتبر و لازم الاجراست. ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران^۱ نیز آن را پذیرفته است. در مورد خسارتهای درد و رنج نیز این شرط در صورتی که از مصادیق سوء استفاده از حق محسوب نشود معتبر است. (نقیبی، ۱۳۸۶: ۳۹۶)

^۱ - ماده ۲۳۰ - اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آن چه که ملزم شده است محکوم کند.

در این روش تعیین خسارت به قاضی سپرده می شود و چنانچه در عقد و یا در قانون مبلغ خسارت تعیین نشده باشد، قاضی دارای صلاحیت لازم در سنجش و ارزیابی و تعیین مبلغ خسارت است و به آن حکم خواهد کرد.

برخی معتقدند که ارزیابی دقیق خسارتهای درد و رنج به پول امکان ندارد و تنها کاری که دادگاهها می توانند انجام دهند این است که به یک مبلغ «منصفانه» یا «متعارف و معقول» رأی دهند. یکی از قضات در این زمینه چنین می گوید: «همه آنچه که قضات و دادگاهها می توانند انجام دهند این است که به مبلغی رأی دهند که به طور معقول و متعارف خسارتهای وارد بهع شخص را جبران کند. برخی دیگر معتقدند که در مورد ضررهای مالی باید خسارتهای حتی الامکان «به طور کامل» و در مورد ضررهای غیرمالی خسارتهای حتی الامکان به طور «منصفانه» جبران شود».

اما منظور از یک مبلغ «منصفانه» یا «متعارف و معقول» در مورد خسارتهای معنوی چیست؟ یکی از حقوقدانان به این سؤال اینگونه پاسخ داده است: «ما فکر می کنیم منظور این باشد که یک انسان منصف، انسانی که وضعیت مالی متوسطی دارد، به این معنا که توانایی کافی برای انجام همه تعهدات اخلاقی اش را دارد و طبق فرض باعث ورود زیان به دیگری شده است، برای جبران زیان زیانندیده چه مبلغی را حاضر است بپردازد. این مبلغ لزوماً مبلغی نیست که عمق پشیمانی او را نشان دهد، بلکه به اندازه ای است که او را قادر می سازد که به عنوان یک انسان متعارف بتواند بگوید که تا جاییکه خسارت زیانندیده با پول قابل جبران بود، او با پرداخت این مبلغ، خسارت زیانندیده را جبران کرده است، به این معنا که پرداخت بیشتر و کمتر از آن مبلغ در کاستن از درد و رنج خواهان اثری ندارد» (P Rhodes, ۱۵۰)

و در تعیین اینکه چه چیزی منصفانه است دادگاهها از احساسشان الهام می گیرند. ایراد این نظریه این است که قرار دادن چنین تعرفه هایی باعث می گردد که قضات در ارزیابی خسارتهای درد و رنج به طور خودکار و بدون در نظر گرفتن شرایط خواهان حکم صادر کنند و این دقیقاً مخالف این اصل است که هر زیانندیده ای باید معادل خسارتهای وارد به شخص خویش را دریافت کند (نه بیشتر و نه کمتر از آن را).

استفاده از تعرفه به طور ضمنی نشان می دهد که ما از یک معیار نوعی برای ارزیابی خسارتهای درد و رنج استفاده می کنیم. این در حالی است که بسیاری از حقوقدانان معتقدند که ما باید شرایط خاص حادثه را نیز مد نظر قرار دهیم. به همین دلیل هم برخی معتقدند که هرچند هدف از جعل این تعرفه ها این است که اندازه گیری خسارتهای درد و رنج برای قضات آسان شود اما در عین حال این تعرفه ها باید قابلیت انعطاف داشته باشد تا قاضی در تصمیم گیری اش بتواند به وضعیت خاص زیانندیده و شرایطی که حادثه در آن رخ داده است، نیز توجه کند (P Rhodes, ۱۵۱، به نقل از شوشی نسب، ۱۳۹۰: ۱۱۴)

به همین دلیل نظریه ی دیگری پیشنهاد شده است که بر مبنای آن قضات بعد از در نظر گرفتن مبلغ مندرج در تعرفه در مورد یک صدمه خاص، آنگاه با در نظر گرفتن شرایط خاص حادثه آن مبلغ را کم یا زیاد کند.

اگر این تعرفه «منصفانه» باشد، به این مفهوم که مبلغ مشابهی را برای صدمات مشابهی در یک دسته قرار دارند مقرر دارد، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا این مبالغی که در تعرفه گنجانده شده است «متعارف و معقول» نیز هست یا خیر؟ این سؤال ما را به همان مشکل اولیه بازگشت می‌دهد که چگونه می‌توان خسارت‌های درد و رنج را با پول ارزیابی کرد و چگونه می‌توان مبلغی پول را برای خسارت‌های درد و رنج در نظر گرفت؟ دادگاهها خودشان تصدیق کرده اند که میزان این مبالغ برای دسته های مختلف صدماتی که در تعرفه هستند باید نهایتاً مبتنی بر آرای صادره در پرونده های گذشته و به طور حدسی باشد. به عبارت دیگر معتقدند در این زمینه باید از رویه قضایی کمک گرفت و این مبلغ «متعارف و معقول» را از آرائی که در این زمینه صادر شده است به دست آورد.

در زمینه دسته بندی خسارت‌های معنوی و روحی که از آن به نام خسارت های درد و رنج نیز یاد شده است، نوعی دسته بندی در هنگ کنک ارائه شده که به قرار ذیل است:

صدمات شدید بین ۶۰ تا ۸۰ هزار دلار.

صدمات خیلی شدید بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار دلار.

درد و رنج ناشی از نقص عضو بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار دلار

مصیبت ناگوار ۱۵۰ هزار دلار به بالا (Atyah & Clane: ۱۱۵) به نقل از شوشی نسب: ۱۱۵)

شایان ذکر است که این مبالغ با کم شدن ارزش پول قابل تعدیل است.

این مبنا به شدت مورد انتقاد واقع شده است. دسته بندی هایی که در بالا ذکر شد کارایی ندارند و فقط یک بحث اضافه ایجاد می‌کنند: قربانی به کدام دسته تعلق دارد و خسارت او تحت کدام دسته باید ارزیابی شود. بنابراین این روش مشکلی را حل نمیکند و سؤال همچنان مطرح است که خسارت وارد به زیان‌دیده ذیل کدام گروه است و چه مبلغی باید به آن تعلق گیرد. این امر با فلسفه ی تعرفه گذاری به عنوان ابزاری که هدف آن ایجاد قابلیت پیش‌بینی است که بر مبنای آن دعاوی باید حل و فصل شوند مخالف است، چرا که مشخص نیست صدمه ای که وارد می‌شود از نظر دادگاه ذیل کدام گروه قرار خواهد گرفت. هانتز جی در این زمینه چنین می‌گوید: «این دسته بندی محدودیت های خاص خودش را داراست. این روش ساده و موثر است اما مشکلات خاص خودش را دارد. دادگاه چطور باید تشخیص دهد که آیا این صدمه خاص ذیل گروه «صدمات شدید» قرار دارد یا ذیل صدمات گروه «خیلی شدید»، مگر اینکه ابتدائاً تعریفی از صدمات شدید در دست داشته باشد و بتواند آن تعریف را در مصادیق مختلف از خسارت‌های معنوی تطبیق دهد؛ در حالی که این دسته بندی ها به هیچ وجه تعریفی از صدمات شدید یا خیلی شدید یا ... به دست نمی‌دهند» (پیشین: ۱۱۶)

در حقوق ایران با استفاده از ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی می‌توان روش قضایی را دریافت و ادعا نمود که این روش در حقوق ایران به طور نسبی پذیرفته شده و قابل اجراست.

تعیین قانونی خسارت با توجه به نام آن عبارت است از اینکه قانونگذار به روشنی مبلغ خسارت را در قانون بیان می‌دارد و قاضی حق ندارد که مبلغ مقطوع را تغییر دهد. برخی معتقدند که جعل این مبلغ در قانون در مورد خسارتهای درد و رنج باید با در نظر گرفتن مسائل اقتصادی و اجتماعی انجام شود. این کار از عهده‌ی دادگاهها خارج است. بنابراین هرچند شاید دادگاهها بتوانند تا حدی در تعیین این مبلغ توسط قانونگذار اعمال نفوذ کنند اما نمی‌توانند به طور خودسرانه حکم به مبلغی بابت اینگونه خسارتهای صادر کنند.

در حقوق ایران ماده ۱۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ مقرر می‌کند که «در صورتی که بانک طبق قسمت آخر ماده سه از پرداخت وجه چک خودداری کند و ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت نشود، مدعی علاوه بر مجازاتهای مقرر قانونی به تأدیه‌ی خسارت معنوی دارنده‌ی چک معادل یک چهارم وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه که به قرار صدی ۱۲ در سال از تاریخ ارائه چک به بانک محسوب می‌شود، نیز محکوم می‌شود».

مشاهده می‌شود که این ماده مصداقی از تعیین مبلغی برای خسارت معنوی توسط قانونگذار است. به همین ترتیب مقررات مربوط به جبران خسارت بازداشت شده بیگناه را نیز می‌توان نوعی از روش جبران خسارت معنوی قانونی در نظر گرفت.

۳-۴- موضع و روش جبران خسارت معنوی در حقوق کیفری ایران

در خصوص وضعیت فعلی حقوق کیفری ایران در خصوص جبران خسارت معنوی از بازداشت شده بیگناه، باید دو سؤال را مطرح نمود. اول اینکه آیا اساساً در مقررات آیین دادرسی کیفری جبران خسارت معنوی ناشی از بازداشت پذیرفته شده یاخیر؟ و اگر پذیرفته شده روش تعیین میزان خسارت معنوی به چه روشی از سه روش مذکور (توافقی، قضایی و قانونی) انجام می‌شود؟ در پاسخ باید اذعان نمود که با توجه به صراحت بند(ث) ماده ۱ آیین نامه « شیوه رسیدگی و اجرای آراء کمیسیونهای استانی و ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت مصوب ۱۳۹۵» که خسارت را ضرر و زیانهای ناشی از بازداشت اعم از مادی، معنوی و منافع ممکن الحصول موضوع ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری^۲ معین نموده است؛ در اصل پذیرفته شدن جبران خسارت معنوی بازداشت شده بیگناه در حقوق ایران تردیدی نیست.

اما در پاسخ به سؤال دوم یعنی شیوه تعیین میزان جبران خسارت معنوی بازداشت شده بیگناه در حقوق کیفری ایران، هرچند که قانونگذار برابر آیین نامه مصوب سال ۹۵، مقررات شکلی و شیوه رسیدگی و اجرای آرای کمیسیونهای مربوطه را معین نموده اما شیوه تعیین خسارت را بر عهده اعضای کمیسیون گذارده است. با این وصف می‌توان شیوه فعلی مورد استفاده برای جبران خسارت معنوی بازداشت شده بیگناه در حقوق کیفری ایران را نوعی از شیوه قضایی دانست که هرچند یک مقام قضایی مشخص میزان خسارت را تعیین نمی‌نماید اما همانند روش مورد استفاده در حقوق مدنی ایران، با توجه به ترکیب معین

^۲ - تبصره ۱ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک: «زبان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است»

شده در ماده ۳ و ۴ آیین نامه که کلیه اعضای کمیسیون های مربوطه را مقامات قضایی معرفی نموده است؛ به نظر نگارنده در حقوق کیفری ایران نیز این شیوه را یک شیوه قضایی برای تعیین میزان جبران خسارت معنوی می تواند تلقی شود.

۴- نتیجه گیری:

در بیان مفهوم بازداشت موقت این نتیجه حاصل شد که بازداشت موقت که به آن توقیف احتیاطی نیز می گویند، مهمترین و شدیدترین قرار تأمین کیفری است که به موجب آن به منظور تضمین دسترسی به متهم در مواقع لزوم، آزادی رفت و آمد او به طور موقت سلب می گردد.

اما با توجه به اینکه اساساً جبران خسارت ناشی از بازداشت در خصوص بی گناهان قابل طرح است؛ قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۲۵۵ بی گناهان را شامل دو دسته دانسته است. در واقع مطابق قانون، بازداشت شدگانی حق جبران خسارت دارند که پرونده آنها منتهی به صدور «حکم برائت» یا «قرار منع تعقیب» شده، و با توجه به ماده ۲۵۷، این حکم یا قرار، قطعی هم شده باشد. بنابراین اولاً از آنجا که در مورد شاهد یا مطلع حکم برائت یا قرار منع تعقیب صادر نمی شود، این افراد به دلیل جلب خود در اجرای تبصره ۱ ماده ۲۰۴ نمی توانند بر اساس ماده ۲۵۵ مطالبه خسارت کنند. ثانیاً اگر پرونده متهم منتهی به صدور قرار موقوفی تعقیب نیز شده باشد، به دلیل عدم اظهار نظر ماهوی در مورد ارتکاب یا عدم ارتکاب عمل مجرمانه توسط متهم وی سزاوار جبران خسارت دانسته نشده است. در واقع، هدف قانونگذار صرفاً جبران خسارت «متهم بی گناه» بوده است.

ورورد خسارت نیز چنانکه گفته شد می توان شامل خسارات مادی و معنوی باشد. اساساً در خصوص خسارات مادی شیوه ارزیابی و روش جبران پیچیدگی های خاصی ندارد اما ارزیابی خسارت در جبران خسارت معنوی با مشکلات بسیاری مواجه است. زیرا عوامل مختلفی در این رابطه درگیر می شوند که نمی توان با قطعیت و با استناد به اصول ارزیابی خسارت، به ارزیابی این گونه خسارتها پرداخت به عنوان مثال تألم پذیری در افراد همانند قیافه، سلیقه و شخصیت اخلاقی آنها متفاوت است. برخی از افراد دارای توان روحی بالایی هستند که در روان آنها در برابر حوادث مهم، تأثر اندکی پدید می آید، در مقابل افراد دیگری هستند که از کوچکترین حادثه ای تألم عمیقی در آن ها حادث می شود، بنابراین به آسانی نمی توان بین این دو حد از شدت و ضعف، ملاک و قاعده ای عمومی و ثابت که قابل انطباق بر همه افراد باشد به دست داد و اصولاً قاعده مسلمی در این رابطه وجود ندارد اما آنچه که در این نوشتار به عنوان مهمترین مؤلفه های مد نظر در ارزیابی خسارت اشاره شد «تأثیر ویژگی های شخصیتی و جایگاه اجتماعی بازداشت شونده» و «تأثیر عناصر معنوی و انگیزه بازداشت کننده» بود.

در خصوص روش های جبران خسارت معنوی ناشی از بازداشت افراد بی گناه نیز سه روش مورد تأیید و تأکید است روشهای قانونی، توافقی و قضایی. در روش توافقی در این روش مبلغ قابل پرداخت برای خسارتهای معنوی و خسارت های درد و رنج ممکن است قبل و یا بعد از ایراد زیان تعیین شود. در روش

قضایی، تعیین خسارت به قاضی سپرده می شود و چنانچه در عقد و یا در قانون مبلغ خسارت تعیین نشده باشد، قاضی دارای صلاحیت لازم در سنجش و ارزیابی و تعیین مبلغ خسارت است و به آن حکم خواهد کرد. تعیین قانونی خسارت با توجه به نام آن، عبارت است از اینکه قانونگذار به روشنی مبلغ خسارت را در قانون بیان می دارد و قاضی حق ندارد که مبلغ مقطوع را تغییر دهد. موضع کلی حقوق ایران در خصوص جبران خسارت معنوی ناشی از بازداشت بیگناه، پذیرش آن است و در ارتباط با اینکه کدامیک از شیوه‌های سه گانه مذکور مورد استفاده قرار گرفته است؛ باید اذعان نمود که روش تعیین میزان جبران خسارت معنوی ناشی از بازداشت شده بیگناه در حقوق کیفری ایران نوعی روش قضایی است.

- ۱- معلوف، لوئیس، ۱۹۷۳، المجدد فی اللغه و الاعلام، بیروت: دارالمشرق.
- ۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، المفردات الفاظ قرآن، بیروت: دارالکتب العربیه.
- ۳- معین، محمد، ۱۳۸۸، فرهنگ معین، تهران: انتشارات زرین.
- ۴- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶، الزام های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- ۵- انصاری، مسعود و طاهری، محمد علی، ۱۳۸۸، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
- ۶- انصاری، باقر، ۱۳۸۳، حریم خصوصی در رسانه های همگانی، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال ۱۱، شماره ۳۹.
- ۷- نیک فرجام، زهره، ۱۳۹۲، جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ششم، شماره یازدهم.
- ۸- روزبهبانی، شجاع، ۱۳۹۱، بررسی خسارت معنوی در مسئولیت مدنی با توجه به پرونده موسوم به هموفیلی ها، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- ۹- نقیعی، سید ابوالقاسم، ۱۳۸۶، نظریه جبران مالی خسارت معنوی در حقوق اسلامی، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۷۶.
- ۱۰- سلطانی نژاد، هدایت الله، ۱۳۸۰، مسئولیت مدنی خسارت معنوی، تهران: انتشارات نورالثقلین.
- ۱۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸، ترمینولوژی حقوقی، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۱۲- رستمی، ولی الله، ۱۳۹۱، سازوکارهای جبران خسارت ناشی از ایام بازداشت با تاکید بر لایحه قانون آیین دادرسی کیفری پیشنهادی در قوه قضاییه، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شیراز.
- ۱۳- خالقی، علی، ۱۳۹۶، آیین دادرسی کیفری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
- ۱۴- شاملو، باقر؛ مرادی، مجید، ۱۳۹۳، خسارت زدایی از مظنونان، متهمان و محکومان بی گناه، جایگاه حقوقی، فرایند عملی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۸.
- ۱۵- شوشی نسب، نفیسه، ۱۳۹۰، نحوه ارزیابی خسارت های درد و رنج، پژوهش حقوق و سیاست، سال سیزدهم، شماره ۳۳.

- ۱- Lawson, F.H . ۱۹۸۰, Damages are usually compensatory: they are intended to compensate the plaintiff, as far as can be done in term of Money. **Remedies of English law**, ۲۶
- ۲- P RHODES: "**Damages for Pain and Suffering in Hong Kong**", Faculty of law, University of Hong Kong